

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

سخنرانی پیرامون ولادت امام زمان (علیه السلام) و روز معلم

ولادت با سعادت ولی الله الاعظم امام زمانعجل الله تعالی فرجه الشریف را به شما فضلاء بزرگوار، آقایان محترم تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و از خدای تبارک و تعالی مسئلت می‌کنم که به یمن این ولادت همان طوری که تا به حال حوزه‌های علمیه با دعای خاص آن حضرت و با توجهات خاص آن حضرت استمرار داشته و حیات داشته، همه بزرگان، مراجع، رهبری معظم، اساتید، طلاب و فضلا، حوزه قم، حوزه مشهد، حوزه اصفهان، حوزه نجف، هر جا که حوزه‌های علمیه برپاست با قوت ادامه پیدا کند و بیش از گذشته در نشر دین و حفظ دین مردم ان شاء الله موفق باشد.

همچنین سالگرد شهادت شهید بزرگ انقلاب مرحوم آیت الله مطهری رضوان الله تعالی علیه را گرامی می‌داریم، شخصیتی که در عظمت او همین بس که هنوز حوزه‌ها، دانشگاهیان و اهل فکر بر سر سفره علمی او نشسته‌اند و این همیشه ادامه خواهد داشت. از شخصیت‌هایی است که چون برای خدا تلاش کرد، برای خدا فکر کرد، برای خدا بیان کرد، برای خدا قلم زد، اگر منبر رفت برای خدا بود، اگر کتاب نوشت برای خدای بود، لذا آثارش هم از مصادیق وجه الله است و همیشه باقی می‌ماند، مثل خود امام رضوان الله تعالی علیه. امیدواریم که از برکات علمی این شهید بزرگوار همه طلاب و فضلا بهره‌مند بشویم.

از مطالبی که ذکر شد، آنچه درست است کبرای مسئله است و آن این است که مصداق اصلی این مسئله بزرگان ما هستند نه امثال بنده، «معلم الخیر و الدین»^[1] بزرگان ما هستند و ما باید به آنها اقتدا کنیم، آنها را ان شاء الله در این روش و سیر علمی خودمان در حوزه علمیه سرمشق قرار بدهیم. اشکال این سخنان فقط تطبیقش بود و این که ما را مصداق عناوینی قرار دادند که بینی و بین الله به هیچ وجهی حتی يك درصدش هم احتمال نمی‌دهم!

من همیشه این روز که می‌رسد گاهی اوقات به خودم می‌گویم باید از آقایان يك حلالیتی بطلبم و به خاطر این است که ما وقت آقایان را گرفتیم! این که عرض می‌کنم نه از باب این است که بخواهم يك جمله‌ای بگویم حمل بر تقدس بشود، خدا نکند بخواهد در ذهن من اینطور باشد، ولی واقعاً گاهی فکر می‌کنم اگر قیامت شما فضلا جلوی ما را بگیرید بگوئید می‌توانستی بیشتر کار کنی، می‌توانستی وقت بیشتری برای درس بگذاری و چرا این کار را نکردی؟ من چه جوابی خواهم داشت و باید برای آن زمان فکر کنیم و ان شاء الله آقایان لطف می‌کنند به بزرگی خودشان از این تقصیر ما خواهند گذشت.

روایتی به مناسبت نیمه شعبان

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه سؤال می‌کند که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يُّؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا

كثيراً»^[2]، خداوند مؤتی حکمت است و آن کسی که حکمت به انسان می‌دهد خداست، خدا می‌فرماید حکمت اولاً خیر است و ثانیاً خیر کثیر است؛ یعنی خیری بالاتر از این نداریم. امام علیه السلام حکمت را تطبیق کرده و می‌فرماید: «فَقَالَ طَاعَةُ اللَّهِ»^[3]؛ اطاعت خدا. انسان درست اطاعت خدا را انجام بدهد، حتی درست نماز بخواند گاهی اوقات نماز انسان که تمام می‌شود یکی از دغدغه‌های انسان باید همین باشد که آیا این نماز از زمین بالا رفت یا نه؟

در روایات آمده که گاهی اوقات این نماز را که بالا می‌برند دستور داده می‌شود که برگردانید بر سر این آدم بزنید، او چیزی در یادش نبوده در این نماز خدا بوده! حضور قلب نداشته، انسان باید بعد از هر نمازی این دغدغه را داشته باشد، این نماز تا کجا رفت؟ قبول شد؟ جزء نامه اعمال ما قرار گرفت؟ و واقعاً آقایان تلاش کنید عمر به سرعت تمام می‌شود، از يك نمازمان هم غفلت نکنیم. مبادا خدایی نکرده از اول وقت تأخیر بیفتد.

از ویژگی‌های يك طلبه باید نماز اول وقت باشد، اگر گفت حالا اول وقت نشد وسط وقت آخر وقت، خدایی نکرده که اصلاً آدم نمی‌تواند تصور کند که چطور جمع می‌شود که کسی طلبه باشد و نمازش قضا بشود. می‌گوئیم واقعاً این که من عرض می‌کنم بزرگان اینطور به ما فرمودند، عرض می‌کنم روی نماز خیلی اهمیت بدهید، مخصوصاً در خلوت که انسان فرصتی پیدا می‌کند، نمازمان را درست کنیم.

برخی از مشکلات، بسیاری از مطالب غامض علمی را که من ساعت‌ها فکر کردم، بعد دو رکعت نماز خواندم بعد از آن انسان به راحتی می‌فهمد که راه حل‌هایی پیش می‌آید، این واقعیت و حقیقت دارد، ما نماز را نباید فقط به قصد ثوابش بخوانیم، خدا تفضل می‌کند خدا بزرگتر از آن است که بنده‌ای در مقابل او خم و راست بشود و ثوابش ندهد، ولی ثواب برای من و شما نباید مورد توجه باشد!

این نماز باید عظمت خدا را در ما تجلی بدهد، هر نمازی بخوانیم اگر این که خوف‌مان از خدا بیشتر شد، بفهمیم نمازمان اثر داشته، اگر دیدیم نه این نماز در این که من را خائف کند اثری نکرده، بدانیم نمازمان فایده‌ای نداشته، هر نمازی توجه انسان را به عظمت خدا، به اوصاف خدا، به اسماء الهیه زیاد کرد، نماز يك خضوعی در مقابل خدا برای انسان به وجود می‌آورد و آن خضوع به نحو طولی در مورد همه تکوینات برای آدم به وجود می‌آید، آثار زیاد دارد.

حضرت در ادامه تطبیق می‌فرماید: «وَمَعْرِفَةُ الْإِمَامِ (علیه السلام)»؛ انسان امام زمان خودش را بشناسد، اسم امام چیست، پدرش کیست، مادرش کیست، اینها از مصادیق معرفت است. معرفت امام به این که امام حجت خداست، حبل الله است، ریسمان بین الله و بین الخلق امام علیه السلام است. این يك مرتبه بسیاری بالایی دارد، انسان بداند بین او و خدا يك حجتی وجود دارد اما مرحله بالاتر این است که بفهمیم این حجت از ما چه می‌خواهد؟ این مهم است.

به نظر من این روایتی هم که اشاره شد، به همین اشاره دارد: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^[4]، در بحث آیات مهدویت این روایت را از یکی از آیات قرآن استخراج کردم و ریشه قرآنی هم دارد. به قول ما تناسب بین حکم و موضوع، اگر سؤال کنیم که اگر انسان امام زمانش را بشناسد، بداند که این امام فرزند کیست؟ مادرش کیست؟ بگوئیم او حبل متین بین خدا و خلق و حجت است، اما اگر ندانیم از ما چه می‌خواهد؟ ندانیم که چه عملی باید انجام بدهیم که او راضی است، آیا همان مقدار کافی است در این که مُردن ما دیگر مُردن جاهلی نباشد؟!

باید دید در این روایت قرینه مناسب حکم و موضوع چه می‌گوید؟ موت جاهلی چه بوده؟ در جاهلیت قبل از اسلام که اصلاً موضوعی برای امام نبوده است. موت جاهلی یعنی موتی که عمل آدم هیچ کدامش بر طبق میزان نیست. از گفتن، خوردن، خوابیدن، از هر عملی که انسان انجام می‌دهد روی جاهلیت انجام می‌دهد موت جاهلی این میزانش است، اما موتی که تحت پرتو

امام زمان علیه السلام است؛ یعنی بدانیم امام الآن از ما چه می‌خواهد؟ امام زمان علیه السلام در زمان غیبت از شیعه خودش چه می‌خواهد؟

در روایات داریم که منتظران آن حضرت در زمان غیبت، «بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) بِالسَّيْفِ»^[5] هستند. گفتیم این تنزیل يك وجهی لازم دارد، آیا می‌شود بگوئیم يك انسان منتظر در زمان غیبت به فکر زندگی خودش، زندگی اولادش، به فکر رفاهش است، اما کاری نداشته باشد چه چیزی بر سر مسلمین در دنیا می‌آید؟! دشمن چه توطئه‌هایی علیه اسلام می‌کنند؟ بگوید به من چه ارتباطی دارد؟ من مشغول کسب و کار خودم باشم یا مشغول درس و بحث خودم باشم، آیا این می‌شود بگوئیم به منزله مجاهد در راه خداست؟ اینکه اصلاً معقول نیست.

اما اگر امام (علیه السلام) را نمی‌بینیم (که در همان روایت دارد اینها غیبت برای ایشان به منزله مشاهده است)، ولی گویا داریم از آن می‌شنویم چه باید انجام بدهیم، چه چیز از ما می‌خواهد؟ بعد سؤال اصلی این است که آیا می‌شود بگوئیم در زمانی که اسلام در خطر باشد و دشمنان مشغول توطئه علیه اسلام هستند، امام (علیه السلام) می‌گوید شما شیعه دست روی دست بگذارید حق ندارید کاری انجام بدهید، بگذارید بلاد مسلمین را بگیرند، بگذارید زن و بچه مسلمین را قتل عام کنند، ولی به بهانه اینکه به مرز من حمله نشده بنشینم اینجا. به هیچ وجه چنین چیزی معقول نیست، به نظر من موت جاهلی یعنی موتی که انسان دنبال دنیا طلبی خودش باشد، دنبال قدرت طلبی باشد، دنبال افزایش ثروت بخواد باشد و هیچ توجهی به فقرا، توجهی به اسلام، توجهی به دیگران نداشته باشد، این می‌شود موت جاهلی.

در روایات داریم کسی که امام را «عارفاً بحقه» زیارت کند، حق امام چیست؟ حق امام این است که من فقط ببینم او ولایت تکوینی دارد؟ این شد حق امام؟! اگر امروز به شما بگویند حق يك استاد بر شما چیست؟ می‌گوئیم حقش این است که اگر او زحمتی می‌کشد درسی می‌گوید، ما درست گوش کنیم، درست بفهمیم و به دیگران هم منتقل کنیم این می‌شود حق آن. حق معرفت امام فقط این نیست که بگوئیم امام معصوم علیه السلام ولایت تکوینی دارد که مسلماً دارد به ادله فراوان، حق امام این است که بگوئیم او ولایت تشریعی بر بشر دارد، علاوه بر ولایت تکوینی.

ولایت تشریعی یعنی سرپرست ما اوست و هر چه او بفرماید بر ما وجوب طاعت دارد. این که وقتی زیارت می‌رویم، «عارفاً بحقه» بخواهیم زیارت کنیم این است و به نظر من اینطور است، بقیه امور ولو مقامات معنوی، علم فوق بشری امام علیه السلام است، اینها جای خودش مسلم است ولی مسئله این است که ببینیم از ما چه می‌خواهند؟

خلاصه ما طلبه‌ها که این افتخار را داریم سرباز امام زمان (علیه السلام) هستیم، باید ببینیم حضرت از ما چه می‌خواهند؟ حضرت امروز در مسئله دین آیا می‌خواهد حوزه‌های علمیه دست روی دست بگذاریم بگوئیم کاری نداشته باشیم بر سر اسلام چه می‌آید؟! این فکری که قبل از انقلاب بود و امام (قدس سره) چقدر با این فکر برخورد می‌کرد و متأسفانه چند سالی است که این فکر دو مرتبه اظهار وجود می‌کند که ما دخالت در امور نکنیم! روحانیت خودش را از صحنه کنار بکشد، روحانیت يك نظارتی و يك اشراف کلی و يك هدایت کلی داشته باشد، آیا این همان است که امام زمان (عج) از ما می‌خواهد؟!

همانطور که مرحوم امام به ما یاد داد که باید به صحنه بیائیم و حضور پیدا کنیم باید دفاع از اسلام کنیم، حالا هر کجا به هر خصوصیتی که هست باید این کار را انجام بدهیم، به نظر من «و من یؤتی الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً» که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: این حکمت طاعة الله و معرفة الامام است. امیدواریم که ان شاء الله همه ما مورد توجه امام زمان (علیه السلام) باشیم، کشور ما، انقلاب ما، مسئولین ما، حوزه‌های علمیه همه مورد توجه امام زمان علیه السلام بیش از گذشته باشیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] «وَمُعَلِّمُ الْخَيْرِ وَالدِّينِ يَقُومُ مَقَامَ الْأَبِ» الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص: 334، 86 باب حق الوالد على ولده و بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج71، ص: 77.

[2] سورة بقره: آيه 269.

[3] «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ يُوْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا فَقَالَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ.» الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج1، ص: 185، ح 11.

[4] «وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ بَابَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالْقَانِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ 8 فِي الْخَبَرِ الَّذِي رَوَى عَنْ آبَائِهِ: أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي فَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.» إعلام الوري 442 و وسائل الشيعة ؛ ج 16 ؛ ص 246، ح 21475-23.

[5] «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتْهُ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْدهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَيَعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًّا وَ جَهْرًا وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ انْتَظَرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ.» كمال الدين و تمام النعمة ؛ ج1، ص 320.